

سید محمدجواد مہری

کاشف الغطا

پاسداران بزرگ اسلام

امام ، علامہ ، مورد اعتماد و مقدس ، بزرگترین دانشمند ، در روایات الجنات چنین آمده است : او از استادان بزرگ فقه و کلام بود کہ بہ احکام دین آشنائی و معرفت کامل داشت و مذهب را ہموارہ ترویج می کرد ، مورد تقدیر و احترام خاص و عام بود ، در چشم بزرگان بزرگ می نمود ، در امر بہ معروف و نہی از منکر بسیار جدی و کوشا و در کناکش روزگار ثابت و استوار بود ، عرب و عجم از او فرمان می بردند و او امرش را بہ جان و دل می خریدند ، در دین و دنیا بر همطرازانش تفوق و برتری داشت ، دو خانوادہ ای کہ بہ علم شہرت نداشت پیدا شد ولی بزرگترین عالم شد ، در عین حال کہ وقار و ہیبت و قدرت داشت ، دارای تواضع و فروتنی و ملاحظت بسیار بود ، در ہیبت ظاہریش بادیگران تفاوتی نداشت . . . او انسانی شجاع ، نیرومند در دین و دارای ہمتی والا بود . . . گویند در آغاز طلبگی ، آنقدر فقیر و تہیدست بود کہ با نماز و روزہ استیجاری زندگی روزمرہ خود را می گذراند و با ہمین وضع ، درس می خواند و تحصیل علوم می کرد . "

از استاد اعظم شیخ مرتضی انصاری نقل شدہ است کہ فرمود : " اگر کسی آن قواعد اصولی را کہ شیخ جعفر در کتاب کشف الغطاءش ہفتہ است بداند ، نزد من مجتہد خواهد بود "

شیخ عبدالحسین طہرانی (رہ) می گوید : " اگر مواظبت او را بر سنن و آداب و احکام ببینی و عبادت و ساجدش را سحرگاہان بشنوی و کربہ و زاریش را در دل شب بشنوی ، می بینی از ہمان کسانی است کہ امیرالمؤمنین (ع) برای یکی از اصحابش بہ تمام

" بزرگ بزرگان ، شمشیر بران اسلام ، استاد پژوهش و تحقیق آیت عجیب خداوند کہ عقلها از درک آن قاصر آیند و زبانہالال ، اگر بہ علم و دانش او بنگری کتاب کشف الغطاءش - کہ در ہنگام سفر نگاشته است - تو را از امری سترگ با خیر می سازد و از مقامی والا در مراتب علوم دینی - چہ اصول باشد و چہ فروع - آگاہ می کند . "

مرحوم استاد میرزا حسین نوری صاحب مستدرک الوسائل (رہ) اینچنین کاشف الغطاء را ستایش می کند و توصیف می نماید : راستی علمای ما ہر یک در زمان خود از نظر علم و تقوی بی نظیر بودند و ہمتائی نداشتند ، امروز سخن از شخصیتی است عالیقدر و بزرگ مرتبہ کہ با کتاب ارزندہ " کشف الغطاء " ی خود ، فقہ را و دشواریہای فقہ را شکافت همانند کشتی کہ عباب دریا را می شکافد . نام آن بزرگوار جعفر بن شیخ خضر جناحی نجفی و معروف بہ " کاشف الغطاء " است ، او در سال ۱۱۵۴ ہجری قمری در نجف اشرف چشم بہ دنیا گشود و از همان اوان کودکی بہ تحصیل علوم دین پرداخت . در آغاز مقدمات را نزد پدر خود آموخت و سپس از محضر بزرگانی نظیر شیخ محمد مہدی فتونی و آقا محمد باقر وحید بہبہانی و سید مہدی بحر العلوم کسب دانش کرد .

ستایش بزرگان از کاشف الغطاء

صاحب مفتاح الکرامہ در مقدمہ کتابش او را چنین می ستاید :

احنف بن قیس توصیف کرد و تو را به شگفتی خواهد داد داشت هنگامی که بینی آن مکان و منزلت ایشان را و همچنین هیبت و وقارش را در راه خدمت به بی‌نویان و بی‌چارگان و تهی‌دستان بذل می‌کند (و در این راه مایه می‌گذارد) و همواره در صدد چاره‌جویی برای مستمندان و فقیران است . و در این باره داستانهای زیادی از او نقل می‌کنند که اگر در یک جا گردآوری شود ، کتابی ظریف خواهد بود .

اخلاق کاشف الغطا

کاشف الغطا دارای اخلاقی الهی بود : وارسته ، فروتن ، سخاوتمند ، غیور ، متواضع ، مجاهد و یار مستمندان ، از هر راهی که می‌توانست برای فقرا پول جمع می‌کرد و بر آنها انفاق می‌نمود حتی نوشته‌اند که گاهی خود به پول جمع کردن می‌پرداخت و در عیای خود پول جمع می‌کرد و در همان مجلس ، بر فقرا و بیچارگان تقسیم می‌نمود .

در دل شب برای عبادت و راز و نیاز بیدار می‌شد و تا سپیده دم می‌دید در حال تضرع و گریه و زاری بود و صبحگاهان برای درس و بحث و همچنین برای مقابله با دشمنان دین و مذهب مانند شیر در این میدانهای خطرناک وارد می‌شد و همواره پیروز و سربلند بود . شب که فرا می‌رسید ، هنگام خوابیدن به محاسبه نفس خویش می‌پرداخت و گاهی خطاب به خویش می‌گفت : در کوچکی ترا جعفر (جعفر کوچولو) می‌گفتند ، سپس جعفر شدی و پس از آن شیخ جعفر و سپس شیخ الاسلام ! پس تا کی خدایم معصیت می‌کنی و این نعمت را سپاس نمی‌گویی ؟ !

همیشه مردم را به نماز جماعت خواندن سفارش می‌کرد و برای این امر اهمیت فراوانی قائل بود . غالباً در مسجدی که می‌رفت ، نماز ظهر را با مردم می‌خواند سپس برای نماز عصر ، یکی از مؤمنین (که عدالتش ثابت بود) به عنوان امام جماعت بر می‌گزید و خود نیز بها و اقتدا می‌کرد . میرزای نوری (ره) در مستدرک می‌نویسد : سید مرتضی نجفی که مرد عادل با تقوا و مورد اعتمادی است و در او ائسـل عمرش شیخ جعفر را درک کرده بود ، به من گفت : روزی شیخ جعفر

برای نماز ظهر تاخیر کرد و به مسجد نیامد . مردم که از آمدن شیخ ناامید شدند ، شروع کردند نماز را فرادی خواندن . چیزی نگذشته بود که شیخ وارد مسجد شد و با ناراحتی مردم را سرزنش کرد که چرا نماز را فرادی می‌خوانید ؟ یک نفر عادل بین شما نیست که به او اقتدا کنید ؟ ! سپس مؤمنی را دید (که تا اندازه‌ای ثروت نیز داشت) نماز می‌خواند ، قورا به او اقتدا کرده به نماز ایستاد . مردم که شیخ را دیدند به آن مؤمن اقتدا کرده ، همه پشت سر او ایستادند و اقتدا کردند . آن مؤمن بقدری شرمنده شد که نمی‌دانست چگونه نماز را تمام کند . پس از ادای نماز ظهر کنار رفته به شیخ عرض کرد : باید نماز عصر را خود جنابعالی امامت کنید ، شیخ خودداری کرد ، او اصرار نمود تا اینکه بالاخره شیخ گفت : حال که اصرار می‌کنی ، اگر بولی بدهی که همین جا بر فقرا تقسیم کنیم ، از امامت تو صرف نظر می‌کنیم ! آن مرد پذیرفت و دوپست نامی (که پول رایج آن زمان بود) به شیخ پرداخت و شیخ جعفر قبل از شروع به نماز عصر دستور داد فقرا را جمع کنند و همانطور پولها را بر آنها تقسیم نمود ، سپس به نماز ایستاد .

شیخ نسبت به مذهب خیلی تعصب داشت و در برابر دشمنان حق بی‌بروا می‌ایستاد و مقاومت می‌کرد . هنگامی که وهابیها به نجف بورش آوردند و به غارتگری و جنایت دست زدند ، شیخ جعفر بزرگ با دست و زبان با آنها جهاد کرد و از مذهب دفاع نمود ، تا آنجا که جبهه‌ای در مقابل آنها گشود و رزمندگانی برای دفاع از دین آماده ساخت و خود همراه علما و بزرگان دین به‌سپاه ایشان به راه افتاد و پس از نبردی سهمگین آنان را تار و مار کرده از نجف راند ، و رئیس آنها که سعود نام داشت (و شاید از نیاکان ملک فهد ، پادشاه ستمگر کنونی عربستان باشد) ناچار پابند فرار گذاشته برای انتقام‌جویی به کربلا حمله کرد - چون دیگر توان مقاومت در برابر باران شیخ جعفر را نداشت - و اهل کربلا با اینکه بیشتر از اهل نجف بودند ، تاب مقاومت نیاورده ، تسلیم ستمگران شدند . پس از آن حادثه ، برای اینکه نجف اشرف از هرگزندی مصون بماند شیخ جعفر قیام به ساختن سور نجف (دیواری بزرگ در اطراف نجف اشرف) نمود و محمد حسن خان صدر اصفهانی به دستور آن بزرگوار کار ساختمانی این سور مهم را به عهده گرفت و بنا کرد . یکی از کارهای مهم شیخ جعفر را نیز می‌توان مقابله با میرزا

شیخ جعفر کاشف الغطا همیشه مردم را به نماز جماعت خواندن سفارش می‌کرد و برای این امر اهمیت فراوانی قائل بود . غالباً در مسجدی که می‌رفت نماز ظهر را با مردم می‌خواند و برای نماز عصر یکی از مؤمنین را که عدالتش ثابت بود به عنوان امام جماعت بر می‌گزید و خود نیز بها و اقتدا می‌کرد .

شیخ را مؤلفات بسیاری نیست ولی آنچه نوشته است عالی و ارزنده است .

۱ - مهمترین و عالیتین کتابهای وی ، کتاب "کشف الغطا" است که در عبادات است تا آخر باب "جهاد" ، و در آخر نیز کتاب "وقف" بر آن افزوده است . نویسنده روضات الجنات گوید : شیخ جعفر این کتاب را در سفر تالیف کرده و از کتابهای فقهی بجز قواعد علامه نداشته است . و این کتاب از عجایب روزگار است همانگونه که مؤلفش .

۲ - شرح قواعد علامه .

۳ - کتاب الطهاره : که خیلی مفصل است و در آن احوال دانشمندان نیز در باب طهارت بررسی شده است .

۴ - بغية الطالب : در طهارت و نماز .

۵ - العقائد الجعفرية فی اصول الدین .

۶ - غاية المأمول فی علم الأصول .

۷ - شرح الهدایة للطباطبائی .

۸ - الحق فی تصویب المجتهدین و تخطئه الاخباریین ،

کتابی است استدلالی در رد اخباریان و اظهار حق اصولیان .

۹ - رسالة منهج الرشاد لمن اراد السداد : شاید این اولین

کتابی باشد که در رد وهابیان نوشته شده است .

شیخ جعفر همچنین دارای قریحهای سرشار بوده و دیوان شعری

از او موجود است که در آن اشعار بسیار جالب و زیبا سروده است .

در یکی از اشعارش ، خود را چنین معرفی می کند :

انا اشعر الفقهاء غیر مدافع فی الدهر بل انا افقه الشعراء

شعری اذ اما قلت دونه لوری بالطبع لا يتكلف الا لقسا

كالصوت فی قلل الجبال اذا علا للسمع حاج تجاوب الأصداء

من شاعرترین فقیهان دنیا - بدون استثنا - هستم بلکه

فقیهترین شاعرانم . هنگامی که شعری می سرایم ، جهان آن را نثابت

می کند ، چرا که طبع من ادیبانه است و تکلفی ندارد . همانند

صدائی است که در قله های کوهها برمی آید ، و فوراً گوش شنونده

صداهای زیادی که گویا آن صدا را جواب می دهند می شنود که از

این سو و آن سو برانگیخته می شوند .

بین او و استادش بحرالعلوم (ره) اشعار زیادی رد و بدل

شده که در کتابها ثبت است .

وفات کاشف الغطا

سرانجام شیخ جعفر کاشف الغطا پس از گذراندن عمری

سرشار از خدمت به مکتب و امت اسلام در روز چهارشنبه ۲۲ تا ۲۷

رجب سال ۱۳۲۸ هجری قمری پس از هفتاد و اندی سال ، زیستن

پربرکت در دنیا ، به لقای خدا شتافت و زندگی جاودان خود را

آغاز کرد .

محمد اخباری نام برد . این شخص از بزرگترین دشمنان مراجع اصولی ما بود که تهمت های ناروا و زشت به علما می زد و در گوشه کنار فعالیت زیادی بر علیه آنها می کرد . شیخ جعفر برای کوبیدن او ناچار به ری سفر کرده و به تبلیغ بر علیه آن آخوند مزدور مشغول شد و در این زمینه نامه ها و رساله های مفصلی در رد میرزای اخباری و مذهب آنها نوشت و آنقدر کوشش کرد تا اینکه حرکت آنها را در نطفه خفه کرد و میرزای اخباری از ترس و وحشت پا به فرار گذاشت .

آثار علمی کاشف الغطا

آثار علمی کاشف الغطا منحصر به چند کتاب فقهی نیست بلکه یکی از آثار مهم عملی علمی او را می توان تربیت کسردن فرزندان برجسته و فقیه نام برد که هر یک دریائی از علم و دانش بودند . شیخ جعفر دارای سه فرزند بود که هر سه از فقهای بنام شیعماند و بزرگترین آنها شیخ موسی است که پدر برای وی احترامی فوق العاده قائل بود و برخی از تالیفات این فرزند بزرگوار ، به خواهش و التماس پدر بوده است . شیخ جعفر این فرزندش را برنام فقهی - به استثنای شهید اول و محقق - برتر می دانست . در حق او گفته شده است : کسی همانند شیخ موسی آگاه به قوانین فقه نبود است . دو فرزند دیگرش شیخ علی و شیخ حسن می باشند که هر دو مجتهد بوده اند .

شیخ جعفر سه داماد داشته است که این سه نیز از فقهای بنام شیعه می باشند و آنها عبارتند از :

۱ - شیخ اسدالله تستری کاظمی صاحب کتاب مقابیس .

۲ - شیخ محمد نقی رازی اصفهانی صاحب حاشیه بر معالم .

۳ - سید صدرالدین عاملی .

کاشف الغطا را شاگردان بسیار دیگری نیز هست که بیشتر آنها از مجتهدین و شخصیت های برجسته تاریخ بوده اند ، و ما برای تبیین و تبرک نام برخی از آنها را ذکر می کنیم :

۱ - سید جواد عاملی مؤلف کتاب ارزنده مفتاح الکرامه .

۲ - شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر ، نویسنده دائره المعارف

المعارف فقه شیعه یعنی کتاب " جواهر الکلام " که خود نیز به نام کتابش معروف است . هیچ فقیه و مجتهدی از این کتاب عالیقدر مستغنی نیست و نمی تواند باشد .

۳ - سید محمد باقر صاحب انوار .

۴ - حاج محمد ابراهیم کرپاسی صاحب اشارات .

۵ - شیخ قاسم محیی الدین عاملی نجفی .

۶ - ملا زین العابدین سلماسی .

۷ - شیخ عبدالحسین اعسم .

۸ - سید باقر قزوینی ۹ - آقا جمال ۱۰ - شیخ حسین نجف .